مقایسه رویکرد مهدویت نگاری شیخ صدوق و شیخ طوسی[1]

سید محمد جواد صداقت کشفی[2]

عباس همامی[3]

چکیده

مهدویت نگاری ، یکی از رویکردهای مهم نویسندگان در طول قرون اولیه هجری تا کنون است . شیخ صدوق و شیخ طوسی که هردو از صاحبان کتب اربعه هستند نیز ، آثاری مستقل با موضوع مهدویت از خود به جای گذاشته اند . مقایسه رویکرد این دو دانشمند دینی در کتابهای جامع "کمال الدین و تمام النعمه" و "الغیبه"نشان می دهد که مباحث مورد توجه ایشان در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشتراک بسیار دارد و رویکرد مهدویت نگاری هردو را می توان نقلی - عقلی ، استدلالی دانست هرچند ایشان از نظر تدوین مطالب دو طریق کاملاً متفاوت را برگزیده اند.

کلید واژه ها: مهدویت نگاری ، کمال الدین و تمام النعمه ، الغیبه ، شیخ صدوق ، شیخ طوسی

۱- این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری با عنوان «علل رغبت مسلمانان به دولت کریمه مهدوی با استفاده از آثار روایی و تفسیری قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری» است.

۲- فارغ التحصیل دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی sedaghatsmj@gmail.com

۳- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.(عهده دار مکاتبات) ah@hemami.net

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۵

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۱- طرح مسئله

مهدويت نگاري رويكردي پژوهشي است كه درآثار محدثان و نويسندگان قرون اوليه هجري تا عصر كنوني به چشم مي خورد . اين فعاليت مهم نگارشي كه به ابعاد مختلف زنـدگي، غيبـت و ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي پردازد ، گاه مستقل و گاهي به صورت ضمني در لابه لاي ساير موضوعات ، كتب و رساله هايي را به خود اختصاص داده است . در اين بين نـام ۴۹ اثر مهدوي متعلق به قرون سوم تا پنجم هجري كه عموماً با نام «الغيبه» شناخته مي شوند در كتاب «الذريعه» آمده است (آقا بزرگ تهراني، ۱۶/ ۷۴). در فهرست موجود، قديمي ترين كتـاب متعلـق به "ابراهيم بن صالح الانماطي الكوفی" است (معارف، ۳۱۹) كه از اصـحاب حضـرت امـام بـاقر عليه السلام به شمار می رود(طوسی، الرجال، ۱۲۴ و امـين، ۲/ ۱۶۷) اسـت. البتـه ايـن فعاليـت نوشتاري در زمان ساير امامان عليهم السلام نيز ادامه يافت ؛ هر چند بعضي از آثار ياد شده امروزه در دسترس ما نيست .

قرون چهارم و پنجم از نظر همزماني با آغاز غيبت و حوادث نزديك پس از آن بـراي بررسـي رويكردهاي مهدويت نگاري زماني مهم به شمار مي رود . بعضي از آثار مهم مهـدوي در دو قـرن مذكور كه امروزه موجودند و نيز از نظر مواجهه با مسائل مهدوي تمايزاتي دارند به شرح ذيل است:

الف ـ قرن چهارم شامل :

۱- "كتاب الغيبه" (ابن ابی زينب ،۱۳۹۷)اثر محمد بن ابراهيم جعفر نعمانی م۳۶۰ ق

۲- "كمال الدين و تمام النعمه"(الصدوق ،۱۳۵۹) اثر شيخ صدوق م۳۸۱ق

۳- "كتاب الحجه" در «الكافي»(الكليني ،۱۴۰۷) اثر شيخ كليني م۳۲۹ق

ب ـ قرن پنجم شامل :

۱- "الفصول العشره فی الغيبه" (مفيد ، ۱۴۱۳) اثر شيخ مفيد م۴۱۳ق

۲- "المقنع فی الغيبه"(علم الهدی ،۱۴۱۹) اثر سيد مرتضي م۴۳۶ق

۳- "الغيبه"(الطوسي ،۱۴۲۵) اثر شيخ طوسي م۴۶۰ق

هريك از محدثان و مؤلفان مذكور داراي آثار و كتب متعدد در زمينه هاي مختلـف هسـتند و در باب سبك و روش نگارش ايشان تحقيقاتی صورت پذيرفته است با اين حال به نظر می رسد كـه مقايسه شيوه دو محدث نامی يعنی شيخ صدوق و شيخ طوسي كه از صاحبان كتب اربعه هستند و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

نیز آثاری مستقل در با موضوع مهدویت دارند شایسته توجه باشد ، مخصوصاً از آن رو که دو کتاب جامع "کمال الدین و تمام النعمه" شیخ صدوق و "الغیبه" شیخ طوسي به مرور جایگزین بسیاري از کتب متروك پیشین در زمینه مهدویت نگاري شده است (معارف، ۳۲۲) بنابراین در مقالـه حاضـر سؤال تحقیق چنین است :

"شباهت ها و اختصاصات روش شیخ صدوق و شیخ طوسي در مهدویت نگاري چیست ؟"

هرچند می توان مجموعه آثار مهـدوی ایـن دو مؤلـف اعـم از کتـب مسـتقل یـا رسـالات و پرداختهای ضمنی ایشان به مهدویت در بین سایر موضوعات را بررسی کرد امـا بـرای دسـتیابی بـه نتیجه مطلوب ، با تمرکز بر دو اثر یاد شده که ضمن شهرت و جامعیت ، امروزه در دسترس ما قـرار دارند ، پاسخ سؤال تحقیق به دست می آید .

قبل از آنکه مباحث پژوهش به تفصیل ارائه شود فرضیه تحقیق این است کـه شـیخ صـدوق و شیخ طوسی ، هر دو به نقل اهمیت فراوان داده اند لیکن در آثار مهدوی شیخ طوسی نسبت به شیخ صدوق، رویکرد استدلالي بیشتر از رویکرد روایي است .

۲ - بیان مفاهیم واژگان تحقیق

چند واژه در عنوان مقاله وجود دارد که لازم است منظور نگارنده از بیان یا کاربرد آنها تشریح شود :

۱- رویکرد : در کتب لغت فارسی «رویکردن» به معنای توجه کردن آمده است(دهخدا، ۲۶/ ۲۱۱) . منظور از «رویکرد» در این مقاله نوع برخورد یا مواجهه با موضوعی خاص است.

۲- مهدویت نگاری : «مهدی» در کتب لغت عربی به معنی کسی است که خداونـد او را بـه سوی حق هدایت کرده و پیامبر صـلی الله علیـه و آلـه و سـلم بشـارت آمـدن او را در آخـر الزمـان داده است(ابن منظور، ۱۵/ ۳۵۴) ولی در باره واژگان مهدوی و مهـدویت توضـیحی وجـود نـدارد . در کتـاب لغـت فارسـی، مهـدویت یعنـی «مهـدی بـودن» و «مهـدوی» منسـوب بـه مهـدی بـودن است(دهخدا ، ۴۶/ ۱۷۶) . با این توضیح ، در مقاله حاضر، منظـور از مهـدویت نگـاری، تـألیف کتب ، مقالات یا رسالاتی با موضوع مباحث مختلف درباره حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجـه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

الشریف است . این مطالب می تواند شامل زندگی حضرت ، غیبت ایشان، دوران ظهور، شبهات مردم درباره حضرت و...باشد.

۳- دو قرن چهارم و پنجم هجری قمری آغازی برای شکوفایی تألیفات مستقل درزمینه مهدویت هستند.

۴- شیخ صدوق و شیخ طوسی از قدیمیترین محدثین و مؤلفینی هستند که به دلیل نگارش کتب اربعه از جایگاهی ویژه برخوردارند. ضمناً این دو دانشمند دینی در زمینه مهدویت آثار مستقلی تألیف کرده اند که امروزه در اختیار ماست .

۳ - مهمترین رویکردهای مهدویت نگاری در دو قرن چهارم و پنجم هجری

مؤلفان کتب مهدوي هر يك رويكردي ويژه به صورت مستقل يا تركيبي براي آثار خود برگزيده اند. در بين شيوه هاي مختلف از قبيل نقلي ، عقلي ، عرفاني و تركيبي ، دو مورد اول يعني نقلي و عقلي به آثار قرن هاي چهارم و پنجم مربوط مي شود(مهريزی، ۵۳ و ۵۸) . از اين رو چون در مقاله حاضر مقايسه دو محدث شيعه در قرن هاي ياد شده مدنظر است به رويكردهاي نقلي و عقلي خواهيم پرداخت :

۳-۱- رویکرد نقلی

تكيه بر نقل نخستين رويكرد به مسئله مهدويت به شمار مي رود زيرا مبناي اعتقاد غيبت و ظهور حجت الهي ، بر پايه آموزه هاي وحياني و روايي است . لذا دو شاخه روايي و قرآن ، نخستين رويكرد مهدويت نگاري را تشكيل داده و قابل تبيين است . البته بعضي از آثار موجود در اين زمينه مستقل و بعضي در ضمن موضوعات ديگر پديد آمده اند .

۳-۱-۱- نقلی روایی

آمارهاي موجود نشان مي دهند كه تا ابتداي قرن سيزدهم بيش از ۲۵۰ اثر با موضوعات مهدويت تأليف شده اند و در قرون بعد همزمان با پيشرفت صنعت چاپ و ابزار نشر و طبع اين ميزان رشد چشمگيري داشته است (همان) . دربين اين آثار ، تأليفات مربوط به قرن چهارم به طور

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

ویژه با نقل اخبار پیوند دارند زیرا قرن چهارم هجری را مـی‌تـوان اوج نـصّ‌گرایـی و اخبـاری‌گـری دانست(قیصری، ۷/ ۱۶۰) .

ازجمله کتب مهدوي موجود در قرن مذکور ، دو کتاب "الغيبه" نعماني و "کمال الدين" شـيخ صدوق هستند که از کهن ترين آثار موجود نقلي در زمان حاضر به شمار مي روند .

۳-۱-۲- نقلی قرآنی

رويکرد نقلي قرآني در زمينه مهدويت عموماً با روايات آميخته است . حتی کتب تفسـيری از قبيل "تفسير القمی" (قمی ، ۱۳۶۳) و "کتاب التفسير"(عياشی ، ۱۳۸۰) که مباحث مهـدويت را در ذيل بعضی از آيات شريفه بيان کرده اند از نوع روايی هستند زيرا آيات متعدد موجود در اين زمينـه از نظر تعيين مصداق و ذکر جزئيات مبتنی بر احاديث است و براي تبيين، نيازمند روايات تفسـيري مي باشد . در بين آثار نقلي در قرن چهارم و پنجم هجري مي توان رويکرد نقلي قرآني را در ضـمن کتب روايي و به عنوان بخش هايي از آثار محدثين مشاهده نمود . براي نمونه موارد ذيل قابـل ذکـر است :

۱- در "اصول کافی" علاوه بر بخشهای مختلف به ویژه در"کتاب الحجه" که مبـاحثی دربـاره حضرت مهدی علیه السلام را نیز مطرح می نمایـد، بـابی تحـت عنـوان "بـاب الاشـاره والـنص الـی صاحب الدار" وجود دارد که در این باب ، هرچند غلبه با روایات است، آیـاتی از قـرآن کـریم نیـز دیده می شود (کلینی، ۱/ ۳۲۸) .

۲- باب سیزدهم "غیبت نعمانی" با عنوان "ما روی فی صـفته و سـیرته و فعلـه و مـا نـزل مـن القرآن فیه" که در آن روایات ۳۵ تا ۳۹ را به " ما نزل فیه من القرآن" اختصاص داده است (نعمانی، ۲۱۲). البته مولف علاوه بر این باب در بخش های دیگر کتاب نیز به ضرورت درباره مهـدویت از آیات الهی بهره می گیرد (همان ، ۲۴۰).

۳- بخش هایی از "کمال الدین و تمام النعمه" که برای توضیح مطالب به آیات قرآنـی اسـتناد می کند(ابن بابویه، همانجا، ۱/ ۲۰۹ و ۲۱۷ و ۲/ ۶۸۱).

۴- در فهرست پایانی "الغیبه" شیخ طوسی نشانی قریب ۶۰ آیـه بـدون تکـرار در کـل کتـاب مشاهده می شود (طوسی، همانجا، ۴۸۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

دربین کتبی که به صورت مستقل با رویکرد قرآنی به مهدویت پرداخته اند می توان قدیمیترین اثر موجود را "المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه"(بحرانی ، ۱۳۸۴) متعلق به قرن ۱۲ هجری دانست. این اثر در زمان کنونی بنام "سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن"ترجمه شده است. سید هاشم بحرانی در کتاب خود با استفاده از روایات نقل شده از قدماء برای ۱۲۰ آیه قرآن را با مسایلی چون غیبت ، ظهور و سایر موضوعات مهدوی تطبیق می دهد. وی ضمن توضیح درباره نام کتاب بیان می کند که اگر آیاتی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سایر معصومین علیم السلام باشد تفسیر مربوطه را در اثر دیگر خود "البرهان فی تفسیر القرآن" آورده است (همانجا، ۴۰) . ضمناً محقق این اثر، سید محمد میلانی در پایان مستدرکی برای تکمیل به کتاب افزوده است و در مقدمه توضیحاتی را بیان می نماید(همانجا، ۳۶)

۳-۲- رویکرد عقلی و استدلالی

در این مقاله بی آنکه به تعاریف و جزئیات مربوط به عقل پرداخته شود ، منظور از رویکرد عقلي مهدويت نگاري آن است که معارف مهدوي به جاي تکيه بر نقل با بهره مندي قوه عقل و استفاده از استدلال ارائه شود . البته رويکرد نقلي يا عقلي در طول تاريخ تنها به مباحث مهدوي محدود نمي شود بلکه به اقتضاي زمان و نيز ويژگي هاي علمي و شخصيتي مؤلفين در زمينه هاي مختلف معارف ديني آثاري با اين شيوه ها پديد آمده اند . اما درباره مهدويت نيز از آن جا که شايد نتوان در بين آثار مهدوي قرون چهارم و پنجم کتابي صرفاً عقلاني يافت زيرا حتي در محدوده هايي از زمان که استدلال و بخش هاي کلامي رواج چشمگير دارد ، بيان روايات و بکارگيري آنها در سلسله بخش هاي عقلاني امري اجتناب ناپذير است و چه بسا که احتجاجات و گفتگوهاي مفصل درباره به کرسي نشاندن روايات مهدوي اهل بيت عليهم السلام در مقابل مخالفين باشد .

در بين مباحث عقلاني مهدويت که با استفاده از علم کلام در آثار متعدد نقش بسته چند دسته مطلب به چشم مي خورد :

الف – کتب تبييني و اثباتي که به صورت مسئله محور يا جامعند .

ب- کتب رد شبهات و دفاع از معارف مهدوي شامل سه دسته : ۱- نقد و رد ۲- مناظره ۳- پاسخ به سؤالات و شبهات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

نمونه هایی از تألیفات قرن پنجم که پیشتر ذکر شد به دلیل کثرت استفاده از استدلال و ذکر مباحثی اضافه بر نقل ، در ردیف آثار عقلی یا نقلی ـ عقلی قرار می گیرند .

رویکردهای دیگر ذکر شده در عرصه مهدویت نگاری که بعضی تا ۱۸ عنوان برای آنها مشخص نموده اند (الویری ، محسن و برزویی ، محمد رضا ، ۷۲) بیشتر به صورت ترکیبی با شیوه های ذکر شده قبلی هستند و یا انواعی از قبیل رویکرد عرفانی ، به قرون بعد مربوط می شوند(مهریزی ، ۶۵)

۴- مهدویت نگاری شیخ صدوق

چنانکه پیشتر بیان شد ، آثار مستقل و مشترک شیخ صدوق درباره مهدویت به دوران آغاز غیبت نزدیک است و به عنوان یکی از مهمترین فعایتهای صورت پذیرفته در این عرصه حائز اهمیت است .

٤ -۱- حیات و شخصیّت علمی شیخ صدوق

محمّد بن علی بن حسین بابویه معروف به شیخ صدوق در ۳۰۵ یا ۳۰۶ قمری در قم متولد شد . به نقل خود وی و ذکر برخی دیگر از صاحبان آثار ، ولادت ایشان مرهون دعای حضرت امام عجل الله تعالي فرجه الشريف بوده است (ابن بابویه، کمال الدین، ۲/ ۵۰۳ و نیز نجاشی، ۲۶۱ و نیز شوشتری، ۹/ ۴۳۴)

در زمان حیات شیخ صدوق مدرسه حدیثی قم رتبه ای قابل توجه داشت (سبحانی، مقدمه دوم، ۲۰۶) و او در این شهر به فراگیری علوم پرداخت . آنگاه به درخواست مردم ری به آنجا رفت . سپس در سال ۳۵۵ قمری وارد بغداد شد. اوبه عنوان یک دانشمند جوان علوم دینی در بغداد ناقل احادیث فراگرفته از محضراساتیدی چون پدرش بود(خطیب بغدادی ، ۳/ ۳۰۳ و نیز حلی ، ۱۴۷).گفتنی است که پدر شیخ صدوق از فقها و محدثین بزرگ شیعه در عصر غیبت صغری به شمار می رود (نجاشی،۲۶۱) .

او مشایخ و اساتید فراوانی را درک کرد و از محضر بسیاری از راویان احادیث از شیعه و سنّی بهره‌مند شد. اغلب آثار حدیثی ابن بابویه آمیخته‌ای از احادیث شیعه با احادیث برگزیده‌ی اهل سنت است. او در علم حدیث نه تنها ناقل بلکه نقاد احادیث و آگاه به رجال بود(حلی،۱۴۷).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

ایشان هم از نظر تعدّد نگارش و هم از جهت تنوّع نگارش، فردي مثال‌زدني است. به نظر مي‌رسد تعداد تألیفات وی حدّاقلّ ۳۰۰ کتاب در زمینه‌های مختلف عقاید، فقه، تفسیر و قرآن، رجال و ... باشد (طوسی،بی تا،ص۱۵۶) ؛ هرچند از میان کتب وی تنها قریب ۲۰ اثر به ما رسیده است (حجت،۸۲) . مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: من لا یحضره الفقیه (دومین کتاب از کتب اربعه)، علل الشّرایع (فلسفه تشریع احکام)، کمال الدّین و تمام النّعمه،کتاب التوحید، الخصال، الأمالی، عیون اخبار الرضا. او در هر مسأله‌اي که آن را مورد نیاز جامعه اسلامي می‌دانست، تألیف جدیدي ارائه مي‌کرد. برای مثال خود وی در کمال الدّین مي‌گوید: «چون دیدم که مردم در باب غیبت شبهاتي دارند، این کتاب را نوشتم» (ابن بابویه، همانجا، ۱/ ۳۲). از حیث تنوّع نگارش نیز بسیاري از کتاب‌هایی که از ایشان به جا مانده به شیوه‌هاي متفاوتي نگارش یافته است؛ به عبارت دیگر ایشان ذوق و سلیقه‌ی متفاوت مردم را در نظر مي‌گرفت و همان روایاتي را که در دست داشت، با نگارش جدیدي عرضه مي‌کرد؛ به نظر می‌رسد این خود دلیلی بر کثرت تألیفات ایشان باشد.

شیخ صدوق شاگردان بسیاری را نیز پرورش داد که از آن جمله می‌توان به: محمد بن نُعمان معروف به شیخ مفید، سیّد مرتضی، پدر شیخ نجاشی، محمّد بن طلحه نعالی، حسین بن علی بن بابویه قمی برادر صدوق و ابوعلی شیبانی قمی اشاره کرد.

٤-۲ – آثار مهدوی شیخ صدوق

بی‌تردید کمال الدّین و تمام النّعمه تنها کتابی نیست که شیخ صدوق در زمینه‌ی مهدویّت نگاشته است. چنان‌که از لابه‌لای مطالب این کتاب و از جمله مقدّمه‌ی آن (همان ، ۳) به دست می‌آید، این کتاب، جامع تمامی روایات و مباحثی نیست که ایشان در حافظه و نزد خود داشته است، بلکه ظاهراً پیش از این کتاب،مطالبی را در کتاب‌های دیگری که درباره‌ی آن حضرت نوشته، گزارش کرده اما به دست ما نرسیده است. علاوه بر این در میان فهرست‌هایی که از آثار وی ذکر شده است کتاب‌هایی به چشم می‌خورد که تمام یا بخشی از آن‌ها با موضوع مهدویّت مرتبط می باشد، ازجمله : "رساله فی الغیبه الی اهل الری و المقیمین بها و غیرهم" و "کتاب الغیبه" که در الفهرست شیخ طوسی بدون اشاره به "کمال الدین" ذکر شده است (طوسی،الفهرست، ۱۵۶) . همچنین در کتب مشهور و موجود دیگراز قبیل " علل الشرایع" (صدوق،۱/ ۸۹ و ۱۹۷ و ۲۴۴) و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

"عیون اخبار الرضا"(همو، ۱/ ۴۰ و ۶۵ و۶۹ و ج۲، ۱۳۱) وی به صورت ضمنی و موردی مباحث مهدویت را مطرح می نماید . با این وجود به نظر می رسد که "کمال الدّین و تمام النعمه" ، چنان- که از نام آن نیز پیداست، کامل‌ترین و مفصّل‌ترین اثر شیخ صدوق در این زمینه است .

٤-۳ - بازخوانی کتاب "کمال الدّین و تمام النّعمه"

۴-۳ -۱- دلایل نگارش کتاب

شیخ صدوق این کتاب را در اواخر عمر شریف خود در نیشابور تألیف کرده است.(همو، ۱/ ۲) در مجموع سه دلیل برای نگارش این کتاب از زبان مؤلف نقل شده که همه آنها برای خدمت به مردم در مسیر افزایش معرفت نسبت به معارف مهدوی است . با اینحال می توان یکی از این دلایل را فردی و نتیجه ارتباط روحی و تبعیت شیخ از مولایش حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه دانست و دو مورد دیگر را در همین راستا و البته احساس مسئولیت وی در قبال ارتقاء فهم دینی مردم جامعه و زدودن نقایص باورهای ایشان بر شمرد :

۴-۳-۱-۱- رؤیای صادق

شیخ نقل می کند که در رؤیایی صادق حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در جوار کعبه می بیند و حضرت در آنجا امر می فرماید که او کتابی در باب غیبت بنویسد و در آن ، غیبت انبیاء الهی را نیز متذکر شود . (همانجا،۳)

۴-۳-۱-۲- شبهات و تحیر مردم نیشابور در باره غیبت و امر حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیخ دریافت که مردم نیشابور در امر غیبت و مسایل مهدویت دچار شبهات و تحیّرند لذا وی تصمیم می گیرد که با استفاده از اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه اطهارعلیهم السلام برای ارشاد مردم به سوی حق تلاش کند(همانجا،۲) .

۴-۳-۱- ۳- ملاقات با یک عالم متحیر در امر غیبت

ابن بابویه پس از ملاقات با نجم الدّین ابوسعید محمّد بن حسن بن محمّد بن احمد بن علی بن صلت قمی در می یابد که وی بر اثر سخنان یکی از فلاسفه و منطقیان بزرگ بخارا ، در مورد حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشّریف و طول غیبت و انقطاع اخبار آن حضرت به شکّ و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

تردید افتاده است . لذا شیخ با ذکر دلایل و معارف او را ارشاد و دلش را آرام می کند . پس از این ماجرا ابوسعید از شیخ طلب می کند که وی برای رفع تحیّر مردم کتابی بنگارد و او نیز درخواستش را اجابت می کند (همانجا).

۴-۳-۲- بررسی ساختار صوری و محتوایی

"کمال الدین و تمام النعمه" دارای دو نوع مطلب کلامی و روایی است. البته شکل ظاهری کتاب در دو جزء تنظیم شده است . جزء اول شامل هردو نوع مطلب کلامی و روایی است و جزء دوم عموماً محتوایی روایی همراه با توضیحات مؤلف را داراست . در بخش روایی کتاب که جزء دوم و بخشهایی از جزء اول را در بر گرفته ۵۸ باب و یک فهرست عام موضوعات دیده می شود .

شیخ صدوق در مقدمه کتاب پس از ذکر یک مقدمه شامل بیان انگیزه های نگارش خود مباحث کلامی را آغاز می کند . بعضی از موضوعات این بخش عبارتند از : «بحوث فی الامامه و العصمه» شامل مطالبی در باره الهی بودن خلیفه، وجوب اطاعت از خلیفه، وجوب یکی بودن خلیفه در هر زمان، لزوم وجود خلیفه، وجوب عصمت امام علیه السلام ، وجوب معرفت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، «**ادعا ءات بعض الفرق من الشیعه و الرد علیها**» از قبیل کیسانیه ، ناووسیه و واقفه ، «بیان بعض الاعتراضات و الشبهات حول الغیبه» و مواردی جزیی تر در باره شبهات بعضی از فرقه ها مانند زیدیه و مناظراتی از مؤلف در این زمینه و سرانجام خاتمه ای بر این مباحث که به نقل شیخ ابتدای کتاب را به آنها اختصاص داده است (همانجا ، ۱ - ۱۲۶) .

نوع دوم یعنی بخش روایی ، شامل پنج سرفصل است : ۱- ذکر غیبت پیامبران و حجّت‌های الهی برای آمادگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ۲- سه بحث در باره امامت ، وصیت و بیان معنی عترت ۳ - مطالبی در باره اینکه زمین تا قیامت از حجت الهی خالی نمی شود ۴ - ذکرکلام خداوند در نصوص وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره وقوع غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵ – نصوص وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره وقوع غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

البته قسمتهای مذکور جزییات بسیاری مانند معمرین تاریخ ، ولادت ، حیات ، نام حضرت ، دلایل غیبت، نشانه های ظهور ، توقیعات شریفه ، ثواب منتظران و ... را در برمی گیرد (همانجا ، ۱۲۷ - ۶۵۶) .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۴-۳-۳- بررسی رویکرد شیخ صدوق در مهدویت نگاری

کثرت روایات کمال الدّین و نیز استدلال شیخ صدوق به اخبار صحیح (همانجا، ۵۵ و ۶۸ و ۲/ ۳۹۲ و ۵۱۱ و ۶۵۹)، سبب شده است که برخی از صاحب نظران، رویکرد ایشان در طرح مباحث مهدویّت را رویکرد روایی و نقلی بدانند (مهریزی، ۵۷) امّا چنانکه بیان شد نقل روایات شیخ خالی از استدلال نیست مگر آنکه غلبه تعداد روایات و رویکرد عمومی دوران حیات ایشان ما را به چنین نتیجه ای هدایت کند.

در واقع باید گفت زمانی که شیخ بر وجود روایات صحیح السّند که دلالت بر امر غیبت دارند توجّه و تأکید می‌کند، می‌توان ایشان را در مقام محدثی دانست که از منظر و رویکرد روایی به موضوع مهدویّت می‌نگرد و هدف او بیان این مطلب است که صرف نظر از هر گونه استدلال عقلی و تنها با تکیه بر روایات نیز می‌توان امر غیبت را پذیرفت. اما این سخن هرگز بدان معنا نیست که شیخ به دنبال نفی و تخطئه‌ی عقل بوده یا آن را از درک و اثبات امور دینی عاجز و ناتوان دانسته است. بلکه چنان‌که در ادامه خواهد آمد وی هم در این کتاب و هم در آثار دیگر، عقل را به عنوان یک حجّت مستقلّ الهی معرّفی و بر اهمّیّت دلیل عقلی تصریح می‌کند.

بنابراین لازم است پیش از هر گونه اظهارنظر در مورد رویکرد شیخ صدوق، با تأمّل و دقّت بیشتری به بررسی بپردازیم تا ارزیابی دقیق‌تری از رویکرد ایشان داشته باشیم. بر این اساس باید چند نکته را مدّنظر قرار داد:

۱- پیشتر بیان شد که قرن چهارم، نخستین دوران بعد از غیبت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشّریف .بود و شیعیان به دنبال گردآوری احادیث ائمّه‌ی اطهار بودند. همین امر سبب شد روحیه‌ی نصّ‌گرایی و اخباری‌گری در آن دوران غلبه پیدا کند. بنابراین همت شیخ صدوق در کمال الدّین و سایر آثار خود برای نقل روایات و تذکر صحت آنها را می توان ناشی از تأثیر اقتضائات اجتماعی و خاستگاه معرفتی مردم دانست . به عبارت دیگر شیخ صدوق نیز هم‌چون سایر نویسندگان و پژوهشگران سعی می‌کند آثار خود را به زبان علمی متداول و رایج در عصر خود بنویسد. با اینحال نباید فراموش کرد که او به طور ویژه در بعضی از کتب خود مبنای بحث را بر استدلال و روش عقلانی قرار داده است . در این زمینه کتاب "التوحید" و نمونه هایی از مطالب آن شاهد خوبی بر این مدعاست (همو، ۲۷ و ۸۰ و ۱۳۱ و...) .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۲- شیخ صدوق برای نگارش کتاب انگیزه‌هایی را ذکر می کند که نشان از توجه او به استدلال و شیوه های کلامی دارد . چنانکه گفته است:«... **زيارة علي بن موسى الرضا (ص) رجعت إلى نيسابور و أقمت بها فوجدت أكثر المختلفين إليّ من الشيعة قد حيرتهم الغيبة و دخلت عليهم في أمر القائم (ع) الشبهة و عدلوا عن طريق التسليم إلى الآراء و المقاييس فجعلت أبذل مجهودي في إرشادهم إلى الحق و ردهم إلى الصواب بالأخبار الواردة في ذلك عن النبي و الأئمة (ص)** »(همو ، ۱/ ۲) یعنی: «... از زیارت علیّ بن موسی الرّضا صلوات اللّه علیه نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت نمودم و دیدم بیشتر شیعیانی که نزد من آیند در امر غیبت حیرانند و در باره امام حضرت قائم علیه السّلام شبهه دارند و از راه راست به سوی رأی و قیاس متمایل گشته اند . بنابر این تلاش نمودم که با کمک اخبار وارده از پیامبر اکرم و ائمّه اطهار صلوات اللّه علیهم آنها را به حقّ و صواب دلالت کنم» .

بنابراین شیخ، خود را در مقام پاسخ‌گویی به استدلال‌های نادرست و دفع شبهات عقلی دانسته و قطعاً بر این مطلب واقف بوده است که شبهه‌ی عقلی، دفاع عقلی می‌طلبد نه صرفاً شواهد روایی که ممکن است بر اساس مبانی و اصول تشکیک‌کنندگان، مردود و غیرقابل قبول باشد .

۳ ـ در کتاب کمال الدین از منابعی استفاده شده است که صبغه کلامی و استدلالی دارند از جمله استفاده شیخ صدوق از مباحث "ابن قبّه" این باور را تقویت می کند زیرا وی از متکلمین حاذق قرن چهارم هجری است که در پاسخ به شبهات و ایرادات مخالفین از استدلال بهره می برده است(ابن ندیم، ۲۵۰) . نمونه ای از نقل پاسخهای ابن قبه در کتاب کمال الدین چنین است: «**و كتب بعض الإمامية إلى أبي جعفر بن قبة كتابا يسأله فيه عن مسائل فورد في جوابها أما قولك أيدك الله حاكيا عن المعتزلة أنها زعمت أن الإمامية تزعم أن النص على الإمام واجب في العقل فهذا يحتمل أمرين إن كانوا يريدون أنه واجب في العقل قبل مجيء الرسل ع و شرع الشرائع فهذا خطأ و إن أرادوا أن العقول دلت على أنه لا بد من إمام بعد الأنبياء ع فقد علموا ذلك بالأدلة القطعية و علموه أيضا بالخبر الذي ينقلونه عمن يقولون بإمامته**» یعنی: «در پاسخ به نامه ای که در آن از مسئله ای سؤال شده بود پاسخ داد : امّا این سخن تو- خدا مؤیّدت بدارد-

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

حاکی از گفتار معتزله است که آنها گمان کرده‌اند که امامیّه می‌پندارد نصّ بـر امـام واجـب عقلـی است، این سخن محتمل دو وجه است، اگر منظورشان این است که نـصّ بـر امـام پـیش از آمـدن رسولان و تشریع، واجب عقلی است، نادرست است، و اگر مقصودشان این است که عقول بر ایـن دلالت دارند که باید پس از پیامبران علیهم السّلام امامی باشد، این مطلب درست است و امامیّه آن را با ادلّه قطعی و نیز اخباری منقول می فهمد .»

۴- شیخ صدوق درباره عقل مطالب بسیاری بیان کرده است از جمله: «**و من زعـم أن الدنيا تخلو ساعة من إمام لزمه أن يصحّح مذهب البراهمة في إبطالهم الرسالة و لو لا أن القرآن نزل بأن محمدا ص خاتم الأنبياء لوجب كون رسول في كل وقت فلما صـح ذلـك ارتفـع معنـى كون الرسول بعده و بقيت الصورة المستدعية للخليفة في العقل و ذلك أن الله تقـدس ذكـره لا يدعو إلى سبب إلا بعد أن يصور في العقول حقائقه و إذا لم يصور ذلك لم تتسـق الـدعوة و لـم تثبت الحجة و ذلك أن الأشياء تألف أشكالها و تنبو عن أضدادها فلـو كـان فـي العقـل إنكـار الرسل لما بعث الله عز و جل نبيا قط. مثال ذلك الطبيب يعالج المريض بما يوافق طباعه و لـو عالجه بدواء يخالف طباعه أدى ذلك إلى تلفه فثبت أن الله أحكم الحاكمين لا يدعو إلى سبب إلا و له في العقول صورة ثابتة و بالخليفة يستدل على المستخلف كمـا جـرت بـه العـادة فـي العامة و الخاصة و في المتعارف متى استخلف ملك ظالمـا اسـتدل بظلـم خليفتـه علـى ظلـم مستخلفه و إذا كان عادلا استدل بعدلـه علـى عـدل مسـتخلفه فثبـت أن خلافـة اللـه توجـب العصمة و لا يكون الخليفة إلا معصوما**»

«و کسی که بپندارد دنیا لحظه‌ای از امام خـالی مـی شـود ، لازمـه‌اش آن اسـت کـه مـذهب برهمنان را در ابطال رسالت صحیح بداند. و اگر نبود که قرآن کریم پیامبر اکرم صـلّی اللّه علیـه و آلـه و سـلّم را خاتم الأنبیاء نامیده، باید در هر زمانی پیامبری باشد، ولی چون ختم نبوّت صـحیح اسـت ، بودن پیامبر پس از ایشان منتفی است و تنها یك صورت معقول باقی می‌ماند که آن وجود خلیفـه و جانشین است. زیرا خدای تعالی به سببی نمی‌خواند مگر بعد از آنکه حقایق آن را در عقول تصویر کند و آنگاه که آن را تصویر نکند، دعوت الهی تحقّق نیابد و حجّت ربّانی ثابت نشـود و ایـن بـدان جهت است که هر چیزی با همانند خود الفت می‌جوید و از ضدّ خویش دوری می‌جوید بنـابراین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

اگر عقل، رسولان الهی را انکار می‌کرد، خدای تعالی هرگز پیامبری را مبعوث نمی‌فرمود.مثال آن طبیب است، بیمار را با داروئی که موافق طبع اوست معالجه می‌کند واگر درمان او با دارویی باشد که مخالف طبع اوست، بیمار را هلاك ساخته است. قطعاً خداوند «احکم الحاکمین» به سببی نمی‌خواند جز آنکه صورت ثابته‌ای از آن سبب در عقول موجود است و با خلیفه وضعیت عمل خلیفه‌گذار مشخص می شود . چنانکه در بین عام و خاص این عادت وجود دارد وبه صورت متعارف اگر فرد ظالمی خلیفه شود بر ظلم تعیین کننده جانشین دلالت دارد و اگر عادلی خلیفه شود نشان عدل خلیفه گذار است . بنابراین ثابت می شود که خلافت الهی موجب عصمت است و خلیفه خدا جز معصوم نمی شود» (ابن بابویه، کمال الدین، ۱/ ۴).

موارد مذکور در کنار قریب۶۵۸ حدیث مستقل و ۸۴ حدیث ضمنی که حدود۳۷۰ حدیث خاص مهدویت و تعدادی دیگر از روایات در سایر موضوعات و البته در پیوند با مهدویت (سلیمیان ، ۴۴) را شامل می شود ، ترکیبی از رویکرد نقلیِ روایی و استدلالیِ کلامی را آشکار می کند .

۵ – حیات و شخصیّت علمی شیخ طوسی

ابوجعفر محمّد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، در رمضان المبارک ۳۸۵ قمری در طوس خراسان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی به شهرهای نیشابور، ری، قم و سپس بغداد مهاجرت کرد. صاحبان آثار رجالی و حدیثی، القاب و صفات ممتازی از قبیل: شیخ الطّائفه، شیخ اعظم ،جلیل القدر ، ثقه ، عین، صدوق ، عظیم المنزله ، عارف بالاخبار و...برای جناب شیخ طوسی ذکر کرده اند (مجلسی، المدخل ، ۱۰۲ و حلی ،۱۴۸) . شیخ طوسی در ۴۰۸ قمری در درس شیخ مفید حضور یافت و در مدّت پنج سالی که افتخار شاگردی شیخ را داشت، مورد توجّه استاد قرار گرفت. پس از رحلت شیخ مفید، در سال ۴۱۳ قمری، در محضر درس برجسته‌ترین شاگرد شیخ مفید، یعنی سیّد مرتضی که ریاست علمی و زعامت دینی شیعه به وی منتقل شده بود، حضور یافت. وی از آن زمان تا سال ۴۳۶ قمری یعنی حدود ۲۳ سال، از دانش بیکران سیّد مرتضی، در علومی چون کلام، تفسیر، لغت و علوم ادبی، فقه، اصول فقه و... بهره برد (مجلسی، همانجا و طوسی ، الغیبه ، مقدمه آقا بزرگ تهرانی ، ۲۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

با توجّه به نبوغ فکری و استعداد شگفت مرحوم شیخ طوسی و تـلاش و کوشـش فـراوان، وی توانست مدارج علمی عصر خود را یکی پس از دیگری پشت سر نهاده و در دوران جوانی به درجه-ی اجتهاد برسد. او در اندک زمان، به یکی از ارکان حوزه‌ی درسی شهر بغداد تبـدیل شـد و بعـد از اساتید بنام خود، یعنی شیخ مفید و سیّد مرتضی، یکّه‌تاز میدان علم و عمل گردید. پس از انقـراض حکومت شیعیان آل بویه در ۴۴۸ قمری توسّط سلجوقیان سنّی، مجبور به ترک بغداد و عزیمت بـه نجف شد و در آن‌جا حوزه‌ی درسی تأسیس کرد که بعدها به حوزه‌ی علمیّه‌ی نجـف مشـهور شـد. سرانجام شیخ الطائفه، در هفتاد و شش سـالگی در شـب ۲۲ محـرم سـال ۴۶۰ قمـری در نجـف اشرف از دنیا رفت(بروجردی، ۲۵/ ۴۰).

اساتید شیخ طوسی بسیارند، و برخی،آنها را تا ۳۷ نفر ذکر کرده‌اند که از میان ایشان نام پـنج نفر بیش از سایر اساتید در آثار مختلف شیخ طوسی به چشم می‌خورد: شیخ مفید، سیّد مرتضـی، ابن الغضائری، ابن حاضر یا ابن عبدون، علی بن احمد بن محمّد بن ابـی جیّـد. همچنـین تعـداد شاگردان این دانشمند بزرگ نیز بسیار است و در بین آنها بالغ بر سیصد مجتهد وجود دارد (طوسی ، الغیبه ، مقدمه آقا بزرگ تهرانی ، ۲۳) .نام برخی از شاگردان مکتب جناب شـیخ طوسـی چنـین است : شهید شیخ محمّد ابن فتال نیشابوری ، شیخ حسن بن حسین بن بابویه قمّی، شـیخ حسـین بن فتح واعظ جرجانی، شیخ حسن بن مظفّر حمدانی، شیخ ابو فتح محمّد کراجکی، شیخ محمّـد بن علی طبری، شیخ منصور بن حسن آبی، شیخ سـعدالدین ابـن بـرّاج و...(مجلسـی، المـدخل ، ۱۰۰) .

شیخ طوسی تقریباً در تمامی علوم دینی آثار گران بهایی از خود به جای گذاشته اسـت(امین ، ۱/ ۱۴۵) ؛ از جمله کتبی که در ذیل به آنها اشاره می شود:

«تهذیب الاحکام» و «الإستبصار» در اخبار، «الامالی» در جلسات روایی ، «المبسـوط» و «النهایـه» در فقـه ، «العـده» در اصـول ، «التبیـان» و «المسـائل الدمشـقیه فـی تفسـیر القـرآن» و«المسائل الرجبیـه» در تفسـیر ، «المصـباح» در ادعیـه، «الابـواب» و «الفهرسـت» در رجـال ، «الغیبه» در باره مهدویت و ... (امین ، همانجا، ۹/ ۱۶۱ و نجاشی ، ۴۰۳ وآقـا بـزرگ تهرانـی ، ۴/ ۲۶۶)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۵-۱- آثار مهدوی شیخ طوسی

شاخصترین کتاب مهدوی شیخ طوسی "الغیبه" است . البته در بعضی از تألیفات دیگر وی نیزبه صورت موردی مباحث مهدویت دیده می شود . بنابراین بررسی رویکرد شیخ در مهدویت نگاری به طور ویژه منوط به باز خوانی "الغیبه" است . اما پیش از آن شایسته است که نمونه هایی از مباحث مهدوی در دیگر آثار ایشان ذکر شود : در تفسیر« التبیان» ذیل بعضی از آیات شریفه قرآن کریم روایاتی آمده است که مرتبط با حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می باشد(طوسی ، تبیان، ۲ ، ۸/ ۱۲۹ و ۱/ ۵۵ و ۴۲۰ و ۳/ ۳۸۶ و ۷/ ۴۵۷ و ...) . کتاب «تهذیب الاحکام» نیز با موضوعاتی از قبیل : دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (طوسی ،تهذیب الاحکام ، ۳/ ۱۱۰ و ۱۲۰ و ۶/ ۱۱۸) ، غیبت(همان، ۹/ ۲۹۵)، قیام و حکومت (همان ، ۶/ ۱۵۵ و ۴/ ۱۸۴) و دیگر موارد، مضامینی از مهدویت را داراست . با این وجود کتاب «الغیبه» به دلیل اختصاص به مهدویت قابل بررسی دقیق و جدیتر است.

۵-۲- بازخوانی کتاب الغیبه

شیخ طوسی در هر اثر خود به اقتضای سبک و سیاق آن کتاب مباحث مهدویت را ارائه کرده است . برای مثال چنانکه پیشتر بیان شد در کتاب «تهذیب الاحکام» نوع مطالب با مسائل فقهی از قبیل ادعیه و مستحبات پیوند دارد و آنجا در کنار موضوعات مختلف، دعاهایی نقل می شود که مضامین مهدوی دارند، اما برای پی بردن به رویکرد ویژه مهدویت نگاری ایشان بررسی اثر مستقل «الغیبه» معیار تشخیص است .آقا بزرگ تهرانی در مقدمه آن گفته است : «**وكتاب الغيبة للشيخ الطوسيؒ- هذا- هو من الكتب القديمة الذي يمتاز على غيره، فإنّه قد تضمّن أقوى الحجج و البراهين العقليّة و النقلية على وجود الإمام الثاني عشر محمّد بن الحسن صاحب الزمان عليه السلام و على غيبته في هذا العصر ثمّ ظهوره في آخر الزمان فيملأ الأرض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا**»(همانجا ، مقدمه آقابزرگ تهرانی ، ۲۴)

بر این اساس «الغبیبه» نسبت به سایر کتب، اثری ممتاز است زیرا قویترین دلایل و برهانهای عقلی و نقلی را در باره وجود حضرت مهدی علیه السلام و غیبت و ظهور ایشان بیان کرده است .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۵-۲-۱- دلایل نگارش کتاب

از مقدّمه‌ی شیخ در«الغیبه» برمی‌آید که دلیل تدوین کتاب، اجابت درخواست فردی قابل احترام و جلیل القدر بوده است . از کلام شیخ طوسی بر می آید که این اقدام به منظور از بین بردن شک و شبهه و تردید در باره حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بوده است . مباحثی اعم از سبب غیبت و طولانی شدن آن ، نیاز به حضرت ، فراگیر شدن حیله ها ، هرج و مرج و فساد و بالاخره پاسخ به شبهات بدخواهان و مخالفین که شیخ برای طرح آنها در کتاب همت می گمارد . البته زمان نگارش کتاب مقارن با ایامی است که برای شیخ طوسی فشار حوادث و روزگار موجب شکوه و گلایه است و در ضیق وقت ، خواسته آن شخص ارزشمند را اجابت می کند(طوسی، الغیبه،۱) .

۵-۲-۲- بررسی ساختار صوری و محتوایی کتاب

این کتاب در هشت فصل تنظیم شده است و با مقدّمه‌ای مختصر وارد مباحث اصلی کتاب می‌شود.

فصل نخست: سخن درباه غیبت شامل بخشهایی از جمله : اثبات وجوب داشتن امام و وجوب عصمت او ؛ نقد عقاید فرقه‌های کیسانیّه، ناووسیّه، واقفیّه، محمدیّه و ... در مورد امام زمان؛ بیان فلسفه‌ی غیبت و اثربخشی امام در دوره‌ی غیبت؛ اثبات طبیعی بودن عمر طولانی حضرت با توسل به شواهد و نمونه‌های تاریخی از پیامبران و افراد عادی؛ اثبات امامت حضرت از طریق روایات اثناعشر منقول از اهل سنت و شیعیان.

فصل دوم: اثبات ولادت امام زمان علیه السلام با دلایل و اخبار.

فصل سوم: ذکر اخبار کسانی که با آن حضرت دیدار کرده‌اند اعم از کسانی که ایشان را نشناخته اند یا بعداً متوجه حضرت شده اند .

فصل چهارم: بیان معجزات و توقیعات حضرت که نزد سفرای ایشان بوده است.

فصل پنجم: موانع ظهور آن حضرت.

فصل ششم: سفرای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و بخشهایی شامل: از وکلای ائمه علیهم السلام اعم از وکلای محمود و مذموم ،سفرای محمود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدعیان مذموم ، ممدوحین در زمان سفرای حضرت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

فصل هفتم : بیان شبهات مهدویت اعم از عمر حضرت ، تعیین زمان ظهور ، علامات ظهور و ...

فصل هشتم : بیان صفات ، منازل و سیرت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه

به مباحثی چون عمر امام مهدی، عدم تعیین وقت ظهور، علائم ظهور و برخی از صفات و سیره آن حضرت اختصاص دارد.

۵– ۲ – ۳– بررسی رویکرد شیخ طوسی در مهدویت نگاری

شیخ طوسی در مقدمه کتاب خود به دو نکته اشاره می کند : ۱– پاسخ به سؤالات ، که طبیعتاً دربرگیرنده بحثهای کلامی است . ۲ - استفاده از اخبار و روایاتی که مؤید پاسخهای او باشد. نقل وی در کتاب چنین است:

«وأتكلّم على كل ما يسأل في هذا الباب من الأسئلة المختلفة، و أردف ذلك تأكيدا لما نذكره، و تأنيسا للمتمسكين بالأخبار، و المتعلقين بظواهر الأحوال، فإنّ كثيرا من الناس يخفى عليهم الكلام اللطيف الّذي يتعلّق بهذا الباب، و ربّما لم يتبيّنه، و أجعل للفريقين طريقا إلى ما نختاره و نلتمسه، و من اللّه تعالى أستمد المعونة و التوفيق، فهما المرجوّان من جهته، و المطلوبان من قبله، و هو حسبي و نعم الوكيل» (همانجا)

وی در این گفتار دوگروه را مدنظر قرار می دهد : اول عده ای که به ظواهر توجه می کنند و متمسک به اخبار می شوند و به نظر می رسد که گروه دوم شامل افرادی است که به بحثهای کلامی متمایلند در این عبارت صراحتاً از آنها نقل نشده است هرچند شیخ تصریح می کند که نکات دقیق و لطیف این مسئله بر اکثر مردم پوشیده است و اقدام او برای همه مردم از هر گروهی است . به این ترتیب انتظار اولیه ما این است که باکتابی اعم از نقل و عقل مواجه باشیم.

شیخ از ابتدا با بحث اثباتی آغاز می کند . او می گوید : «بدان که برای ما در بحث غیبت دو راه وجود دارد : اول اینکه بگوییم وقتیکه وجود امام در هر زمان و نیز غیر معصوم بودن مردم هر عصر ثابت شد جایز نیست که هیچ وقتی از اوقات رئیسی وجود نداشته باشد و شرط این رئیس معصومیت است حال اینکه رهبر معصوم ظاهر و یا غائب باشد...» (همانجا ، ۳)

به این ترتیب آغاز مطالب او بحثهای استدلالی است و این شیوه در کتاب « الغیبه» ادامه تا مبحثی نه چندان دور که طبق وعده شیخ برای تحکیم استدلال باب نقل خبر نیز باز می شود

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

شواهد نقلی در رد ادعای «کیسانیه» مبنی بر ادعای امامت «محمد بن حنفیه» بازگو می گـردد: «وَ **الْخَبَرُ بِذَلِكَ مَشْهُورٌ عِنْدَ الْإِمَامِيَّةِ لِأَنَّهُمْ رَوَوْا أَنَّ مُحَمَّدَ ابْنَ الْحَنَفِيَّةِ نَازَعَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع فِي الْإِمَامَةِ وَ ادَّعَى أَنَّ الْأَمْرَ أُفْضِيَ إِلَيْهِ بَعْدَ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ ع فَنَاظَرَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع وَ احْتَجَّ عَلَيْهِ بِآيٍ مِنَ الْقُرْآنِ كَقَوْلِهِ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ وَ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ جَرَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع وَ وُلْدِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ أُحَاجُّكَ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ تُحَاجُّنِي إِلَى حَجَرٍ لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُجِيبُ فَأَعْلَمَهُ أَنَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمَا فَمَضَيَا حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى الْحَجَرِ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع لِمُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنَفِيَّةِ تَقَدَّمْ فَكَلِّمْهُ فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ وَ وَقَفَ حِيَالَهُ وَ تَكَلَّمَ ثُمَّ أَمْسَكَ ثُمَّ تَقَدَّمَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْعَظَمَةِ ثُمَّ دَعَا بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَالَ لَمَّا أَنْطَقْتَ هَذَا الْحَجَرَ ثُمَّ قَالَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي جَعَلَ فِيكَ مَوَاثِيقَ الْعِبَادِ وَ الشَّهَادَةَ لِمَنْ وَافَاكَ لَمَّا أَخْبَرْتَ لِمَنِ الْإِمَامَةُ وَ الْوَصِيَّةُ فَتَزَعْزَعَ الْحَجَرُ حَتَّى كَادَ أَنْ يَزُولَ ثُمَّ أَنْطَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلِّمِ الْإِمَامَةَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَرَجَعَ مُحَمَّدٌ عَنْ مُنَازَعَتِهِ وَ سَلَّمَهَا إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع»**

«از اخبار مشهور شیعه است که روایت کرده اند محمّد بن حنفیه با امام علی بن الحسین علیه السّلام در باب امامت نزاع کرد و مدعی شد که پس از شهادت امام حسین علیه السّلام امامت به او تفویض شده است. امام سجاد علیه السّلام هم با چنین آیه ای احتجاج فرمود : **وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْض** که این آیه در باره علی بن الحسین علیه السلام و فرزندانش نازل شده است سپس فرمود من با تو به وسیله حجر الاسود محاجه می کنم . او گفت چگونه با سنگ محاجه می کنی در حالی که نه می شنود و نه پاسخ می دهد پس امام او را آگاه کرد که آن سنگ بین ایشان حکم می کند بنابراین نزد سنگ رفتند . حضرت به محمد بن حنفیه فرمود جلو برو و با آن صحبت کن. محمد نزد سنگ رفت و ایستاد و سخن گفت اما سنگ از پاسخ خودداری کرد آنگاه علی بن الحسین علیه السلام نزدیک شد و دستش را برآن نهاد سپس عرضه داشت که خدایا به اسمت که در سرادق عظمتت مکتوب فرمودی از تو درخواست می کنم؛ آنگاه به درگاه خداوند عرضه داشت که این سنگ را به نطق درآور سپس به سنگ فرمود به حق آنکه پیمانهای بندگانش را در وجود قرار داد وشهادت برای کسانی که به نزد تو می آیند درخواست می کنم که خبر دهی امامت و وصایت از آن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

چه کسی است؟ آنگاه حجر الاسود به شدت تکان خورد گویی می خواهد متلاشی شود ، پس خداوند آن را به نطق در آورد و سنگ گفت : ای محمد ! امامت علی بن الحسین را بپذیربنابراین محمد از منازعه دست کشید و تسلیم امامت حضرت علی بن الحسین علیه السلام شد» .

شیخ پس از نقل این ماجرای روایی، بیان می کند که در باره حقانیت امام سجاد علیه السلام روایات متواتر بسیاری از پدر و جدّ امام علیهم السلام در کتب شیعه وجود دارد که مجال بیان آنها نیست ونیز شیعه و سنی روایات بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلّم در این باره نقل کرده اند که به زودی آنها را بیان می کنیم . روایاتی که تصریح بر امامت ائمه دوازده گانه علیهم السلام دارند و هرکس این روایات را بپذیر معتقد خواهد شد که محمد بن حنفیه قطعاً از دنیا رفته است و امامت را تا حضرت صاحب الزمان علیه السلام جاری میداند.

پس از ذکر این دلایل نقلی که تفصیل آنها را به بخشهای بعدی نیز ارجاع می دهد مجدداً رویکرد استدلالی وی آغاز می شود و بیان می کند که اگر کیسانیه برحق بودند نباید منقرض می شدند و در این باره هم توضیحاتی ارائه می کند .

پرداختن به نقل اخبار که هم متضمن بیان ماجراهایی در رابطه با بحثهای کلامی شیخ است و هم مطلق فرمایش معصوم علیه السلام در کل اثر جریان دارد . شاید بتوان ادعا کرد که پر رنگ ترین مباحث کلامی صرف تنها به مقدمه «الغیبه» محدود می شود و حتی مؤلف ، در عناوین فصلها و بخشهای کتاب صراحتاً از نقل اخبار خبر می دهد. برای مثال در اسامی قسمتهای مختلف چنین مضامینی دیده می شود :

اثبات ولادت حضرت با دلیل و اخبار (فصل دوم) ، اخبار کسانی که امام را دیده اند (فصل سوم) ، ذکر اخبار سفراء در زمان غیبت (فصل ششم ، بخش اول) ، ذکر آنچه درباره مرگ و زندگی حضرت روایت شده ، اخبار وارده در عدم تعیین زمان خروج ،بیام معنی بداء و ذکر آنچه درباره توقیت زمان ظهور روایت شده و بنا به مصلحت تغییر کرده است (فصل هفتم ، بخشهای دوم ، سوم و چهارم) .

با این حال درباره سایر بخشها نیز نقل روایت جزء لا ینفک است چنانکه بحث توقیعات (فصل چهارم) بدون ذکر اخبار محلی ندارد .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۶ – اشتراکات و تمایزات آثار مهدوی شیخ صدوق و شیخ طوسی

با توجه به توضیحات پیشین ، از مقایسه دو اثر مستقل شیخین یعنی "کمال الدین و تمام النعمه " و "الغیبه" موارد ذیل مشاهده می شود :

ـ مباحثی نظیر امامت و عصمت امام، اثبات غیبت، ردّ بر فرقه‌های کیسانیّه، واقفیّه و ناووسیّه، فلسفه و حکمت غیبت، غیبت برخی انبیا، نام کسانی که حضرت را ملاقات کرده‌اند، توقیعات امام، معمّران، نشانه‌های ظهور، تقریباً به همان ترتیب که در کمال الدین ذکر شده‌اند در الغیبه نیز آمده‌اند. هر چند به رغم این مشابهت ها، تفاوت‌هایی نیز در این دو اثر به چشم می-خورد.

ـ در هردو کتاب ابتدا مسائل کلامی و استدلالی و آنگاه به نقل اخبار پرداخته می شود با این تفاوت که در اثر شیخ صدوق مقدمه استدلالی بسیار طولانی است و تا نقل اخبار فاصله زیادی دارد با اینحال وقتی شیخ به ذکر احادیث می پردازد به صورت منظم رویکردی روایی پیدا می کند . اما در اثر شیخ صدوق خیلی زود نقل اخبار آغاز می شود و با اختلاط مباحث کلامی و استدلالی محتوا را پیش می برد .

– شیخ طوسی از برخی مباحث اضافی نظیر داستان بلوهر و یوذاسف و مباحث عقلی ابن قبّه رازی صرف نظر کرده است. همچنین در بحث معمّران به شیوه‌ی خاص خود عمل می‌کند، به طوری‌که صدوق به ۷ مورد اشاره کرده است در حالی که شیخ صدوق حدود ۲۰ مورد را بیان می-کند (احمدی ، ۷۰).

ـ بعضی از مقالات و دانشنامه ها ، هر دو کتاب "کمال الدین و تمام النعمه" و "الغیبه" را به دلیل کثرت روایات ، در زمره آثار نقلی آورده اند. به این ترتیب که کتاب شیخ صدوق را با ۷۰۰ حدیث و کتاب شیخ طوسی را با ۵۰۰ حدیث به عنوان تألیفات نقلی معرفی کرده اند (الویری و برزویی ، ۷۳) هرچند این آمار بر اساس شمارشهای دیگر با دلایلی از قبیل اختلاف چاپها یا میزان دقت در شمارش متفاوت است (سلیمیان ، ۵۳) ؛ و برخی تنها "کمال الدین" را نقلی صرف دانسته اند(مهریزی ، ۵۳) و بعضی دیگر در آثاری مستقل، هریک از این دو اثر را با رویکرد ترکیبیِ نقل و عقل معرفی نموده اند (اسماعیل زاده ، ۱۲۹ و آزادی ، ۱۶۶) . به نظر می رسد که برای تفکیک این داوریها و اعلام نظر صواب، تعیین معیار براب تشخیص رویکرد مهدویت نگاری ضروری باشد .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

به عبارت دیگر ممکن است از هریک از این نظرات با معیاری مشخص درست باشد. برای مثال اگر ملاک روایی بودن کثرت روایات است شاید بتوان هردو اثر مورد بحث را نقلی روایی دانست و یا به دلیل استناد قرآنی در هردو کتاب آنها را به عنوان آثار نقلی، اعم از روایی و قرآنی پذیرفت . و یا اگر مبنا غلبه وجه نقل بر استدلال و بالعکس باشد با شمارش تعداد احادیث و توجه به آمار ، نتایجی را به دست آورند (احمدی ، ۷۶).

۷- نتایج مقاله

با توجه به مطالب بیان شده در بخش بررسی صوری و محتوایی دو کتاب "کمال الدین و تمام النعمه" و "الغیبه" ، هر دو مؤلف دانشمند این آثار از عقل و نقل بهره برده اند و آثار ایشان رویکردی نقلی ـ عقلی ، کلامی و استدلالی دارد. با این تفاوت که به نظر می رسد در اثر شیخ صدوق ، بخش اول کتاب با رویکرد استدلالی از بخش دوم با رویکرد نقلیِ روایی و البته گاهی نقلی قرآنی جداست و دو فراز مختلف را تشکیل داده اند ، هرچند این دو بخش، در نهایت مکمل یکدیگرند ؛ ولی در اثر مهدوی شیخ طوسی که مقدمه کلامی کوتاهتری دارد و خیلی سریعتر از "کمال الدین"، از روایات کمک می گیرد ، مباحث استدلالی و کلامی در کل اثر تنیده شده و نقل و استدلال مثل تار و پودی برای ترسیم یک نقشه واحد می ماند. البته شاید این دو طریق مختلف برای گزینش یک رویکرد واحد یعنی " نقلی - عقلی ، کلامی و استدلالی" به دلیل شرایط دوران زندگی مؤلفان مذکور و نوع مخاطبین آن عصر باشد . والله اعلم

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلی تصانیف الشیعة، دار الأضواء ، چاپ سوم ، بیروت : ۱۴۰۳ق.

۳- ابن بابویه، محمد بن علی(شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة (اسلامیه)، دار الکتب الإسلامیه ، چاپ دوم، تهران : ۱۳۵۹ش.

۴- همو ، علل الشرائع ، چاپ اول ، قم : بی تا.

۵- همو ، التوحید ، جامعه مدرسین ، چاپ اول،قم : بی تا .

۶- همو ، عیون أخبار الرضا علیه السلام،، نشر جهان ، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۸ ق.

۷- ابن منظور ، محمد بن مکرم ، لسان العرب ، دار صادر ، بیروت : ۱۴۱۴ق.

۸- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست ، دار المعرفه ، چاپ اول ، بیروت: بی تا .

۹- امین، محسن، أعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات ، چاپ اول،بیروت : ۱۴۰۳.ق .

۱۰- آزادی ، پرویز ، بررسی جایگاه اهمیت و اعتبار سنجی کتاب کمال الدین و تمام النعمه ، علوم قرآن و حدیث ، شماره ۸ ، صص ۱۸۰ - ۱۵۱ .

۱۱- احمدی کچایی، مجید، تحلیلی بسترشناسانه درباره کتاب «الغیبه» شیخ طوسی، پژوهش‌های مهدوی، ۱۳۹۳، شماره ۱۰ ، صص ۸۲ - ۶۱.

۱۲- اسماعیل زاده ، عباس ، الغیبه شیخ طوسی جامع مباحث عقلی و نقلی در موضوع غیبت ، علوم قرآن و حدیث ، ۱۳۸۵ ، شماره ۴۰ ، صص ۱۳۸ - ۱۲۳ .

۱۳- الویری، محسن؛ محمدرضا برزویی، ۱۳۹۴، گونه شناسی رویکردهای آموزه ی مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳۴، ص ۵۵-۸۲ .

۱۴- بحرانی، هاشم بن سلیمان، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن(المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة) ، ترجمه مهدی حائری قزوینی ،نشر آفاق ، چاپ پنجم، تهران : ۱۳۸۴ش .

۱۵- بروجردی، حسین، جامع أحادیث الشیعه ، فرهنگ سبز ، چاپ اول ، تهران :۱۳۸۶ش .

۱۶- حجت ، هادی ، جوامع حدیثی شیعه ، انتشارات سمت ، چاپ چهارم ، تهران:۱۳۹۲ش.

۱۷- حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلي ، الشریف الرضي ، چاپ دوم ، قم :۱۴۰۲ق.

۱۸- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد،دار الکتب العلمیه ،چاپ اول ،بیروت :۱۴۱۷ق.

۱۹- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه (ج ۲۶ و ۴۶) ، مؤسسه لغتنامه دهخدا ، تهران :۱۳۴۶ ش .

۲۰- سبحانی ، جعفر ، موسوعة طبقات الفقهاء ، مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام) ، چاپ اول، قم: ۱۴۱۸ق.

۲۱- سلیمیان ، خدا مراد ، تطور مهدویت در منابع روایی شیعه(در پنج قرن نخست) ، پژوهش‌های مهدوی، ۱۳۹۴، شماره ۱۲ ، صص ۶۰ - ۲۵ .

۲۲- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ، مؤسسه النشر الإسلامي ، چاپ دوم ، قم : ۱۴۱۰ق.

۲۳- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی) ، الغیبة ، مؤسسه المعارف الإسلامیه چاپ سوم ، قم : ۱۴۲۵ ق .

۲۴- همو ، رجال الطوسي، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه النشر الإسلامي ، چاپ سوم ، قم : ۱۴۲۷ ق .

۲۵- همو ، الفهرست ، مکتبه المرتضویه ، چاپ اول ، نجف اشرف : بی تا .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]

۲۶- همو ، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی ، چاپ اول ، بیروت : بی تا .
۲۷- همو ، التهذیب، دار الکتب الإسلامیه ، تهران : ۱۳۶۵ش .
۲۸- علم‌الهدی، علی بن حسین (سید مرتضی) ، المقنع في الغيبة ، موسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، چاپ اول ، بیروت : ۱۴۱۹ق.
۲۹- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر ، چاپخانه علمیه ، چاپ اول، تهران : ۱۳۸۰ ق.
۳۰- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمي، دار الکتاب ،چاپ سوم، قم : ۱۳۶۳ ش.
۳۱- قیصری ، احسان ، مقاله اخباریان در دائرة المعارف بزرگ اسلامی(ج۷) ، زیر نظر سید محمد کاظم بجنوردی ، تهران : ۱۳۸۵ ش .
۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب(شیخ کلینی)، الکافي، دار الکتب الإسلامیه ، چاپ چهارم ، تهران : ۱۴۰۷ق.
۳۳- مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) ، الفصول العشرة في الغيبة، دار المفید ، چاپ اول ، قم: ۱۴۱۳ق.
۳۴- مجلسی، محمدباقر ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحیاء التراث العربي چاپ اول ، بی نا ، بی تا.
۳۵- معارف ، مجید ، مباحثی در تاریخ حدیث ، مؤسسه فرهنگی نبأ ، چاپ اول، تهران :۱۳۸۸ش .
۳۶- مهریزی ، مهدی ، رویکردهای پژوهشی در مهدویت نگاری در دانشنامه امام مهدی علیه السلام (ج۱) زیر نظرمحمد محمدی ری شهری، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم : ۱۳۹۳.
۳۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشي، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ،مؤسسه النشر الإسلامي، چاپ ششم، قم ۱۳۶۵ ش .
۳۸- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة ، مکتبة الصدوق ، چاپ اول ، تهران : ۱۳۹۷ ق .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.10.20.2.4]